

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۳، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۶۸ تا ۷۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

سیاست کیفری حاکم بر جرایم ارتكابی صغار در حقوق ایران و امریکا

| مریم عظیمی* | کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل.

چکیده

مسأله بزهکاری اطفال همیشه یکی از چالشی‌ترین مباحث حقوق کیفری و علم جرم شناسی بوده است. میزان جرایم ارتكابی توسط اطفال طی قرن حاضر در کلیه کشورها، خصوصاً در کشورهای صنعتی افزایش قابل توجهی داشته و در ایران نیز طی سه دهه اخیر به عنوان پدیده منفی اجتماعی توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده و نگرانی آن‌ها را برانگیخته است. در حقوق امریکا نیز جرایم انجام شده توسط طفل بزهکار از عنصر روانی و مادی برخوردار بوده و علت عدم مجازات طفل، نداشتن عنصر روانی نیست، بلکه عدم قابلیت انتساب می‌باشد. در این کشور، اطفال به عنوان انسان‌هایی که احتیاج به مراقبت و محافظت دارند در محضر دادگاه حاضر می‌شوند و در مورد آنان اقدامات تربیتی اعمال می‌شود. نگرانی دیگر ناشی از نوع و کیفیت جرایم ارتكابی اطفال است. به طوری که آمارها نشان می‌دهد جرایم ارتكابی در اطفال و نوجوانان با سرعت بیشتری افزایش یافته و به تبع آن نیز دولت‌ها را به آن واداشته که با این تغییر و تحول در جهت چگونگی جلوگیری و پیشگیری از جرایم اطفال به نحو بهتر و محاکمه نمودن آن‌ها در همین راستا گام بردارند. از آنجا که دلایل و عوامل بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال متفاوت بوده و از سوی دیگر این طبقه از جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساس‌تر و به مراتب آسیب‌پذیرتری نسبت به سایرین برخوردار می‌باشند، لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد اتخاذ شود. زیرا اطفال بزهکار به دلیل انعطاف‌پذیری که دارند بسیار آسان‌تر و سریع‌تر از افراد بزرگسال می‌توانند مورد اصلاح قرار گیرند. در نتیجه به نظام کیفری متفاوت از آنچه در مورد بزرگسالان اعمال می‌شود، احتیاج دارند. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شاهد نوآوری‌های بسیار زیادی در خصوص بزهکاری اطفال هستیم که از جمله آن می‌توان به سن مسئولیت کیفری و تدریجی شدن آن، تنوع پاسخ‌ها به جرایم بزهکاران اطفال، به کارگیری نهادهای جدید حقوقی در ارتباط با اطفال اشاره نمود.

واژگان کلیدی: جرایم اطفال، بزهکار، جرم تعزیری، مسئولیت کیفری، پیشگیری.

* نویسنده مسئول

مقدمه

امروزه مسأله بزهکاری اطفال دارای اهمیت بسیار است. زیرا از یک طرف باید جامعه را از جرائم بزهکاری نوجوان مصون نگاه داشت و از طرف دیگر باید اقدامات مؤثری در اصلاح و تربیت مجدد اطفال بزهکار به عمل آورد تا بیشتر به راه‌های مجرمانه کشیده نشوند. کودکان و نوجوانان فرایند رشد و پرورش شخصیت را دنبال می‌کنند و به دلیل وجود خلأهای متعدد در این فرایند به سمت کج روی و بزهکاری کشیده شده‌اند. بزهکاری اطفال پدیده‌ای است که جوامع بشری همواره با آن رو به رو هستند و برای پاسخ دهی به آن باید از الگوی حمایتی و روش‌های اصلاحی درمانی بهره جست. (نیازپور، ۱۳۸۹، ۷۴) از طرف دیگر با توجه به کامل نبودن رشد عقلانی و شکل نگرفتن قدرت ادراک فاقد مسئولیت کیفری می‌باشند. البته با اینکه کودکان فاقد مسئولیت کیفری و معاف هستند، ولی اتخاذ بعضی از تدابیر تأمینی حتی گاهی اجرای بعضی از مجازات‌های ملایم در مورد آن‌ها ضرورت دارد. برخی از گروه‌ها، همانند اطفال در برابر پدیده بزهکاری آسیب پذیرترند و احتمال بزه‌دیدگی واقع شدنشان بیشتر از سایر گروه‌ها است، از این رو به حمایت بیشتر احتیاج دارند. این سیاست به معنای تبعیض در اجرای قوانین کیفری نیست. بلکه به معنی حمایت ویژه و جدای از سایر افراد بزهکار یا بزه دیده می‌باشد. بنابراین سیاست افتراقی در قوانین داخلی ماهوی و شکلی وارد شد. بشر به این نتیجه رسید که نه تنها در هنگام وقوع جرم، بلکه در هنگام دادخواهی نیز احتمال بزه‌دیدگی شدن وجود دارد که خطرات آن کمتر از بزه‌دیدگی اولیه نیست. از این رو در آیین دادرسی کیفری نیز حمایت‌هایی در جهت حقوق بزه‌دیدگانی که در معرض خطر قرار دارند در نظر گرفته شد. (بوریکان، ۱۳۸۲، ۱۹۵) بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر نوع بزهکاری اطفال نشان می‌دهد که بین متغیرها و عواملی مانند میزان ارتباط با دوستان و همسالان، میزان تشویق و حمایت از طرف دوستان بزهکار، میزان تقلید از دوستان و همسالان، میزان تعهد به امور جاری زندگی و خانواده، میزان تعهد و اعتقاد به قوانین حاکم بر جامعه، میزان فقر، جدایی والدین و میزان روابط عاطفی ضعیف و نوع بزهکاری اطفال رابطه وجود دارد. (صادق زاده، ۱۳۹۸، ۳۸۳) بزهکاری اطفال ناشی از عوامل متعدد بیرونی و مشخصی است که در صورت اصلاح و تغییر این عوامل، امکان پیشگیری از بزهکار شدن اطفال و در نهایت رسیدن به جامعه ایده‌آل و آرمانی وجود دارد. (اعلی امیری، ۱۳۹۹، ۱۲۳) هرچه راهبردهای انتظامی و اجتماعی از الگوهای تهاجمی و سخت‌گیری کیفری در قبال اطفال و نوجوانان استفاده کنند، منجر به بزهکاری دوباره آنان خواهند شد. ولی از طرفی، هرچه راهبردهای انتظامی و اجتماعی از الگوهای اعتدالی و بازپرورانه استفاده کنند، منجر به این خواهد شد که اطفال بزهکار به آغوش خانواده و جامعه بازگردند. (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۸۳) بنابراین در این مقاله سیاست کیفری حاکم بر جرایم ارتكابی صغار در حقوق ایران و امریکا را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مفهوم بزهکاری اطفال

مفهوم پدیده بزهکاری اطفال همچون بسیاری از پدیده‌های اجتماعی نسبی است و محدوده معنای آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف فرق می‌کند. مفهوم اصطلاح بزهکاری اطفال هم از جهت تعریف بزهکاری و هم از جهت تعریف طفل مفهومی اعتباری و نسبی بوده و ارائه تعریف واحدی از آن تقریباً ناممکن است. بنابراین در خصوص بزهکاری اطفال تعریفی که بتواند نظر همگان را به خود جلب کند و در تمام ادوار و جوامع صادق باشد و یا به عبارت دیگر مستقل از زمان و مکان کلیت داشته باشد، تاکنون ارائه نشده است. بزهکاری اطفال عبارتست از: ترک انجام وظیفه قانونی و ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد. یکی از ریشه‌های این پدیده را باید در عامل اقتصادی جستجو کرد، بدیهی است که در صورت عدم توانایی مالی، تربیت و پرورش کودکان دچار خدشه و اختلال گشته و موجبات بزهکاری آن‌ها فراهم خواهد آمد. درآمد ناکافی، بیکاری، عدم تکاپوی درآمد خانواده جهت تأمین احتیاجات، و مسائل و مشکلات ناشی از کمبودهای مادی از جمله موضوعاتی است که همیشه در رابطه با بزهکاری مطرح و در آمارها نشان داده شده است. علاوه بر فقر، ثروت بیش از حد نیز می‌تواند عامل مؤثری در بزهکاری اطفال باشد. (جهانی جنقرد، ۱۳۹۹، ۵۱۳) اگر تا آغاز قرن اخیر کسی در اهمیت مسئله بزهکاری اطفال تردید داشت، امروزه دیگر چنین شک و تردیدی به هیچ وجه روا نیست، کودکان هر جامعه امید آینده هستند و تربیت صحیح آن‌ها تضمین سلامت آینده اجتماع است. به همین دلیل یکی از مهمترین مباحث مطروحه در کنگره‌های بین‌المللی متخصصین حقوق در سال‌های اخیر مسأله بزهکاری اطفال و طرق پیشگیری از آن بوده است. بدین گونه اولین کنگره بین‌المللی حقوق جزا و جرم شناسی که در سال ۱۹۵۵ به ابتکار سازمان ملل متحد برای بحث پیرامون پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در شهر ژنو تشکیل گردیده بود در قطعنامه پایان کار خود چنین پیشنهاد کرده است: «کمیسیون مسائل اجتماعی باید پس از مشورت با کمیسیون حقوق بشر با جلب موافقت دولت‌ها و سایر تشکیلات ذینفع هرچه زودتر به تجدیدنظر در مورد قواعد و مقررات مربوط به پیشگیری از جرایم و اصلاح قوانین و تربیت مجدد اطفال بزهکار اقدام نماید.» و سازمان جهانی حمایت کودکان در یک جمله کوتاه و رسا ولی کلی و فراگیر خاطر نشان می‌سازد که «اگر خواهان زندگی صلح آمیزی هستیم باید از کودکان شروع کنیم.»

تعیین مجازات اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

یکی از ترتیبات خاص رسیدگی به جرائم اطفال که به نوبه خود یک پاسخ کیفری ولی تعدیل یافته به جرایم آنان را نیز تشکیل می‌دهد، مربوط به تعویق صدور حکم است که یک تدبیر پیشرفته محسوب می‌شود، چرا که مصلحت طفل را بر رعایت تشریفات قانونی مبنی بر لزوم صدور حکم پس از بررسی پرونده ترجیح داده است. لذا این نوع ترتیب رسیدگی بیشتر در دادرسی اطفال یا نوجوان به کار می‌رود. فصل دهم از بخش دوم از کتاب اول در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۸۸، ۸۹ و ۹۰ این قانون واکنش‌هایی که نسبت به اطفال و نوجوان بزهکار قابل

اعمال است و نیز نحوه اجرای آن‌ها را به صورت یکجا و میسوط بیان نموده است. در خصوص ماده ۸۸ این قانون علی‌رغم اینکه به نظر برخی حقوقدانان در قانون ۱۳۷۰ دارای سابقه‌ای است و این حقوقدانان ماده ۴۹ قانون سابق را به عنوان پیشینه‌ای برای این ماده بیان نموده‌اند. (سیدزاده ثانی، ۱۳۹۲، ۶۴) به نظر می‌رسد، این ماده یک نوآوری در قانون ۱۳۹۲ بوده و پیشینه‌ای در قانون سال ۱۳۷۰ ندارد. چرا که در این ماده ما با تنوعی از شرایط و واکنش‌ها مواجه هستیم که در قانون سابق ماده‌ای همانند و همسان این ماده را نمی‌توان یافت. مواد ۸۹ و ۹۱ نیز در قانون جدید یک نوآوری بوده و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ سابقه و پیشینه‌ای ندارد. با توجه به اینکه واکنش‌های در نظر گرفته شده بر حسب نوع جرایم و مجازات‌ها یعنی تعزیری یا غیر تعزیری بودن و نیز بر حسب سن کودک بزهکار یعنی طفل یا نوجوان بودن متفاوت است. در خصوص واکنش‌ها در جرایم تعزیری نیز با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که واژگان اطفال و نوجوانان را به کار برده، موضوع را از دو دیدگاه می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد که هر یک از موارد را به تفکیک بررسی می‌کنیم.

واکنش‌ها نسبت به اطفال بزهکار

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص واکنش‌ها و نحوه اجرای آن‌ها نسبت به اطفال بزهکار می‌باشد. در این ماده علاوه بر تعیین واکنش‌هایی برای نوجوانان برای اطفال نیز واکنش‌هایی تعیین گردیده که عبارتند از: الف) واکنش‌ها نسبت به اطفال (نابالغین): برابر مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ افراد نابالغ (دختران کمتر از ۹ سال و پسران کمتر از ۱۵ سال قمری) مسئولیت کیفری ندارند و در مورد آنان باید اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال شود. در قانون مجازات اسلامی ۹۲ تعریف اقدامات و تأمینی مشاهده نگردید، لیکن برخی حقوقدانان اقدامات تأمینی و تربیتی (تدابیر خاص پیش‌بینی شده در قانون که دادگاه به نشانه نفرت جامعه از تکرار جرم و پیشگیری از آن و به منظور اصلاح یا درمان مجرمانی که دارای حالت خطرناک هستند و همچنین در مورد ضبط یا معدوم کردن اشیاء و آلات خطرناک جرم یا حاصله از آن اتخاذ می‌کند، مانند اعزام محکومان به کارگاه‌های صنعتی، کشاورزی، مراکز بازپروری، تبعیدگاه، کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار، تعطیل موقت محل کار، معدوم کردن مواد مخدر و نظایر آن) تعریف کرده‌اند. (ولیدی، ۱۳۷۴، ۲۴۷) برابر ماده ۸۸ دادگاه در مورد اطفال بزهکار در صورت وجود شرایط زیر می‌تواند برخی اقدامات تأمینی را اتخاذ نماید. این شرایط عبارتند از: ۱- طفل مرتکب جرم تعزیری شده باشد ۲- طفل در زمان ارتکاب جرم ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی داشته باشد. این اقدامات عبارتند از: الف) تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید: ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه

آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین ب) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است. پ) نصیحت به وسیله قاضی دادگاه ت) اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم ث) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج. تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است. تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد. تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید. نکته مهم در خصوص بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی این است که تسلیم طفل بزهکار به اشخاص فوق‌الذکر باید به همراه اخذ تعهد از اشخاص مزبور مبنی بر تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان باشد. به نظر می‌رسد منظور از اخذ تعهد در این بند، تعهدی کتبی است چون از واژه اخذ و واژه تعهد می‌توان استنباط کرد که مکتوب بودن مدنظر است و گرنه قانونگذار می‌توانست به جای این واژگان، واژه‌هایی چون قول یا تعهدی شفاهی را به کار ببرد. از سویی چون مسئله تسلیم به اشخاص فوق می‌بایست در صورتجلسات دادگاه درج شود این موضوع نیز نظر ما را تقویت می‌کند. لذا به نظر می‌رسد اخذ تعهد کتبی مزبور به دو صورت اخذ تعهد ضمن صورتجلسه دادگاه یا اخذ تعهد به صورت مستقل از صورتجلسات خواهد بود. (دابی، ۱۳۹۲، ۸۸) نکته دیگری که در خصوص بند الف لازم به ذکر است اینکه برابر تبصره بند الف ماده ۸۸ هرگاه دادگاه مصلحت بداند، می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید: ۱- معرفی طفل به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان ۲- فرستادن طفل به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل تحت نظر پزشک ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا اشخاص به تشخیص دادگاه. ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل به محل‌های معین. طبق بند ب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، شرایط اعمال این

اقدامات در صورتی است که والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل صلاحیت تسلیم طفل به او را نداشته باشد یا اینکه والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل به هر علتی در دسترس نباشد. اما منظور از عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی برابر ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی شامل مواردی مانند عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر می‌باشد، به طوری که صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد از جمله مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین. قانونگذار در راستای صیانت از حقوق اطفال بزهکار و به منظور پیشگیری از آسیب‌های ناشی از بازداشت و تکرار جرم، پرونده شخصیت را در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی نموده است. تشکیل پرونده شخصیت در پیشگیری رشدمدار نسبت به اطفال بزهکار، بیش از سایر جرایم متبلور خواهد شد. در واقع، پرونده شخصیت نسبت به اطفال بزهکار با در نظر گرفتن برنامه‌های اجتماعی که موجب برچسب زدایی و کاهش معاشرت‌های افتراقی ضد اجتماعی می‌شوند، ضرورتی انکارناشدنی است. (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۱) از جمله دلایل بی توجهی به تشکیل پرونده شخصیت در پیشگیری از بزهکاری اطفال می‌توان به مواردی نظیر عدم تخصص قضات، عدم تشکیل نشست‌های قضایی لازم در خصوص پرونده شخصیت، عدم آموزش‌های لازم به کارآموزان قضایی، دستورالعمل پرونده شخصیت، ضمانت عدم اجرای تشکیل پرونده شخصیت، حدود مطالبات وکیل و متهم، حدود وظایف قضات، ضرورت درج خلاصه پرونده در کیفرخواست و عدم تشکیل واحد مددکاری اشاره کرد.

واکنش‌ها نسبت به نوجوان بزهکار

منظور از نوجوان فردی است که به سن بلوغ رسیده، لیکن هنوز به سن رشد (۱۸ سال تمام شمسی) نرسیده که ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ مقرر می‌دارد: «در باره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتكاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجراء می‌شود: الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است. ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است. پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است. ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است. ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است. تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست. تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای

(الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد. آنچه در تمام موارد مندرج در ماده ۸۹ مشترک است اینکه اولاً جرم باید از جرایم تعزیری باشد، لذا از جرایم مستوجب کیفر حدود و قصاص و دیات از موضوع بحث این ماده خارج است. ثانیاً مرتکب جرم به هنگام ارتکاب جرم باید ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی داشته باشد بر خلاف جرایم موجب حد یا قصاص که سال قمری ملاک است. ثالثاً ماهیت واکنش‌های فوق از نوع کیفر است، نه اقدامات تأمینی و تربیتی. زیرا در موارد فوق سلب آزادی مثل نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا محدود کننده آزادی مثل انجام خدمات عمومی رایگان و جزای نقدی از اقسام کیفرهای مالی است. رابعاً به خاطر وضعیت سنی و عقلانی ویژه مرتکب یا به خاطر نوجوان بودن مرتکب در صورتی که نوجوان مرتکب جرم تعزیری شود. این مجازات‌ها جایگزین کیفرهای اصلی جرایم که در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات آمده خواهد شد. مثلاً برابر ماده ۶۰۸ توهین ساده مستوجب مجازات تعزیری درجه ۶ می‌باشد. (سیدزاده ثانی، ۱۳۹۲، ۳۰۱) خامساً خدمات عمومی در این قانون عبارتی مجعول بوده و تعریف نگردیده که این باعث بروز تشتت آرا و اعمال سلیق گوناگون و غیرمنطقی خواهد شد. سادساً ساعات ارائه خدمات عمومی رایگان نباید بیش از ۴ ساعت در روز باشد. علت تعیین این مقدار ساعت نیز نامعلوم است. همچنین دادگاه در تعیین ساعات کمتر از ۴ ساعت و همچنین در تعیین تناوب و توالی ساعات محدودیت و ممنوعیتی ندارد و از اختیار کامل برخوردار است. (دایی، ۱۳۹۲، ۹۵) از سوی دیگر ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.» در این راستا، با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان در مرحله رشد و پرورش شخصیت قرار دارند و بر خلاف بزرگسالان از اراده آزاد و مستقل برخوردار نمی‌باشند و هم اینکه از قدرت تجزیه و تحلیل کمی و کیفی تجربیات و دریافت‌های علمی برخوردار نمی‌باشند، مناسب‌تر بود که برای تمام جرائمی که اطفال و نوجوانان مرتکب می‌شوند چه جرائم حدی، چه جرائم تعزیری و چه از نوع حدود و قصاص با رضایت شاکي، دادگاه می‌توانست صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند. لزوم شناسایی علل بزهکاری و شخصیت طفل و اتخاذ روش‌های خاص برای اصلاح و تربیت و بازسازی اطفال و نوجوانان بزهکار و پیشگیری از ارتکاب بزه، مهمترین هدف تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار است. دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان مهم‌ترین مرجع، صلاحیت رسیدگی به جرایم نوجوانان را دارد.

بزهکاری اطفال در حقوق امریکا

در حقوق امریکا با دادگاه‌های مختلفی رو به رو هستیم که در ادوار مختلف به شکل‌های مختلف نمایان می‌شوند که اغلب آن‌ها نیز متأثر از سیستم سیاسی زمان خود هستند. مثلاً در ابتدای تاریخ امریکا با کانتی کورت‌ها رو به رو هستیم که یادگار دوران مسیحیت هستند و همچنین می‌توان در تاریخ امریکا از دادگاه‌های بارون نام برد که دارای سیستم رسیدگی واحد نبودند. در

ادوار دیگر تاریخ امریکا با دادگاه‌های شاهی رو به رو هستیم که با روی کار آمدن آن‌ها دادگاه‌های مسیحیت بر چیده می‌شوند. (داوید، ۱۳۷۵، ۳۰۳) تا قرن ۱۷ و ۱۸ اطفال نیز مانند بزرگسالان در همین دادگاه‌ها محاکمه می‌شدند و فرقی از جهت روند دادرسی و حتی اعمال مجازات بین بزرگسالان و اطفال نبود. اولین تحول در زمینه اطفال بزهکار در سال ۱۸۳۸ رخ داد که زندان ویژه‌ای برای پسران ۱۰ تا ۱۸ ساله به نام «Parkhurst» ایجاد گردید. پس از این دوران به بعد شاهد تحولاتی در نحوه برخورد با اطفال بزهکار هستیم که با طبقه بندی افراد این تحول رخ می‌دهد. این مؤسسه در سال ۱۸۶۴ به کار خود پایان داد. در سال ۱۸۵۴ قانون بزهکاران جوان در نتیجه مجاهدت‌های یک فرد اصلاح طلب به نام ماری کارپنتر به تصویب رسید. بر اساس قانون مزبور اطفال به جای اعزام به زندان‌های بزرگسالان به دارالتأدیب‌هایی که توسط افراد داوطلب اداره می‌شدند، انتقال داده می‌شدند و این امر جایگزین زندان بود. این روش در سال ۱۸۷۵ به وسیله قانون مدارس صنعتی تا حدودی توسعه و گسترش یافت. این قانون برخی تحصیلات مقدماتی را برای اطفال مقرر داشته بود که درخور توجه بود ولی تا این زمان هیچگونه تحول قابل توجهی در جهت حقوق کیفری اطفال صورت نگرفته بود و تنها با بارقه‌های تغییر و تحول در برخی قوانین دیده می‌شدند. در دهه ۱۸۸۰ تعداد دارالتأدیب‌ها و مدارس صنعتی از ۲۰۰ مورد تجاوز نمود و در آن زمان هزاران کودک نیز در زندان‌های بزرگسالان وجود داشتند که این نیز جای تأمل بود. در سال ۱۸۹۵ کمیته گلدستون جهت بازرسی از زندان‌ها تشکیل شد. این کمیته در گزارش خود با تأکید مبنی بر بر عدم مسئولیت اخلاقی اطفال و مشاهده و ملاحظه آن‌ها به عنوان قربانیان جامعه می‌پرداخت. در اصل این امر تحولی عظیم در حقوق کیفری اطفال بود که با روند رو به رشد خود دیگر کشورها را نیز تحت تأثیر قرار داد تا بنیانگذار یک سیستم برخورد افتراقی با اطفال باشد که در پی آن قوانین آتی با تحت ملاحظه قرار دادن این دیدگاه به تصویب رسید. بعد از انتشار گزارشات کمیته گلدستون بالاخره این مسئله در سال ۱۹۳۳ در قانون جوانان و اطفال به این شکل وارد شد که در مورد نحوه برخورد با اطفال بزهکار باید رفاه حال طفل و اقداماتی که در جهت تأمین آموزش و پرورش وی می‌باشد، مورد توجه قرار گیرد. در سال ۱۹۴۸ یعنی پس از جنگ جهانی دوم، قانون کودکان به تصویب رسید و اختیاراتی را برای حکومت ملی در نظر گرفت که از کودکان غافل و بی‌دقت مراقبت نماید. ولی در همان زمان قانون عدالت جزایی مصوب ۱۹۴۸ عناصر مجازات را در سیستم مزبور افزایش داد. در اوایل دهه ۱۹۶۰ کمیته کودکان و نوجوانان در گزارش خود وضع بسیار بدی را از کودکان و دادگاه‌های اطفال ارائه داده و در سال ۱۹۶۹ قانون کودکان و نوجوانان بر اساس طرح‌های پیشنهادی «white paper» تشکیل یافت و به تصویب رسید. بر اساس این قانون سن مسئولیت کیفری تا ۱۴ سال افزایش یافت. ولی باید نسبت به تمام کودکان زیر ۱۴ سال رسیدگی‌های غیر کیفری به عمل می‌آمد. از طرفی قانون کودکان و نوجوانان ۱۹۶۹ مقرر داشت که کودکان هیچ وقت تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند، مگر صرفاً بر مبنای تصمیمات اتخاذ شده پلیس. از طرفی اختیارات اعمال مجازات در دادگاه‌های ویژه اطفال بزهکار به طور کامل کاهش یافت. البته این روند در قوانین بعدی از جمله قانون ۱۹۸۲،

۱۹۸۸ و ... تغییر یافت. (مجتبایی، ۱۳۹۲، ۵۷) با توجه به فرهنگ حقوقی معتبر امریکا، کودک و طفل در حقوق امریکا تعریف قطعی و دقیق ندارد و بیشتر افراد زیر ۱۴ سال را شامل می‌شود که گاهی شامل افراد زیر ۱۶ سال و زیر ۱۸ سال نیز می‌شود. با توجه به قانون خانواده ۱۹۹۶ و ۱۹۸۹ کودک عبارتست از شخصی که زیر ۱۸ سال سن دارد و معنای دیگر آن یکی از اولاد مشروع و ارادی و قانونی است که در واقع همانند فرزند مشروع است. در کتب حقوق جزا حتی افراد بالای چهارده سال یعنی تا ۱۸ سال جزء صغار به حساب آمده‌اند و صغار را افرادی می‌دانند که در عقد قراردادهای یا وصیت‌نامه‌ها فاقد اهلیت می‌باشند. اما هیچ محدودیت قانونی برای آن‌ها جهت ارتکاب جرم وجود ندارد. (Smith & Hogan, 1992, 188) ظاهراً در حقوق امریکا نیز همانند ایران معیار برای صغیر بودن یا نبودن یک فرد سن او می‌باشد. به این معنی که تمام افراد زیر ۱۸ سال صغیرند، منتها ممکن است فردی در حقوق امریکا صغیر باشد ولی فاقد مسئولیت کیفری نباشد. مثلاً در حال حاضر طفل ۱۰ تا ۱۴ سال در حقوق امریکا صغیر می‌باشد، ولی فاقد مسئولیت کیفری نیست. در امریکا روند افزایش سن مسئولیت کیفری اطفال یک روند تدریجی می‌باشد. ابتدا سن مسئولیت کیفری مشمول اطفال بالای ۷ سال بود، یعنی اطفال زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری بودند. در سال ۱۹۹۳ به موجب ماده ۵۰ قانون اطفال و اشخاص نوجوان سن مسئولیت کیفری به ۸ سال افزایش پیدا کرد و به موجب ماده ۱۶ قانون اطفال و اشخاص جوان مصوب ۱۹۶۳ این سن از ۸ سالگی به ۱۰ سالگی تغییر یافت. این دسته از اطفال به طور کلی و در هر شرایطی و در هر اوضاع و احوالی از مسئولیت جزایی مبری هستند. قانون به عنوان یک اماره مطلق مقرر داشته که این اطفال غیر مسئول می‌باشند، ولو اینکه بارزترین شواهد و روشن‌ترین دلایل مبنی بر ارتکاب بزه با سوء نیت از جانب آنان وجود داشته باشد. در حقوق امریکا اطفال به عنوان انسان‌هایی که احتیاج به مراقبت و محافظت دارند در محضر دادگاه حاضر می‌شوند و در مورد آنان اقدامات تربیتی اعمال می‌شود. نتیجتاً ممکن است طفل بزهکار به مدرسه‌ای که مخصوص اصلاح بزهکاران جوان است فرستاده شود و در آنجا تحت نظر قرار گیرد. اطفال زیر ۱۰ سال دارای یک فرض غیرقابل انکار هستند و آن اینکه وی قادر به ارتکاب جرم نیست یا به عبارتی وی ناتوان از ارتکاب جرم است. (براندن، ۱۳۷۶، ۱۴۷) هرگاه بزرگسالی در ارتکاب جرم کودکی مشارکت نماید، شخص بزرگسال ممکن است از طریق نظریه عاملیت بدون تقصیر به عنوان مباشر جرم مسئول شناخته شود و این حالت زمانی نیز که بزرگسالی کودکی را تشویق به ارتکاب جرم کند رخ می‌دهد. (Jefferson, 2001, 251) حقوق امریکا، در مورد عاملیت بدون تقصیر، تحریک کننده را مباشر جرم می‌داند. عاملیت بدون تقصیر به این معناست که طفل در اعمال و رفتار خود بالاخص در اعمال و رفتاری که مستحق مجازات می‌باشد، مانند یک شیء عمل می‌کند، یعنی همانگونه که ما هیچگاه شیء یا حیوانی را به خاطر وارد آوردن خسارت بر دیگران مجازات نمی‌کنیم هیچ طفلی را خصوصاً زیر ۱۰ سال نمی‌توانیم مجازات کنیم. از طرفی هرگاه این طفل با دیگران در انجام جرم معاونت یا مشارکت کند، خود او به لحاظ اصل عدم مسئولیت کیفری اطفال فاقد مسئولیت کیفری است ولی چون مصونیت طفل به دلیل عوامل معذور کننده است نه عوامل

موجهه، عمل وی همچنان غلط و اشتباه باقی می‌ماند. پس ساین که وی را در این کار معاونت یا مشارکت نموده‌اند دارای مسئولیت کیفری هستند. چنین عملی در حقوق امریکا با لفظ عاملیت بدون تقصیر برای اطفال باعث تبرئه آنها می‌شود و فردی که توسط اطفال مرتکب چنین جرمی شده، طرف ثانوی جرم نیست، بلکه مباشر جرم است. در حقوق امریکا ماده ۴ قانون ۱۹۶۹ نیز در مورد اطفال مقرر می‌دارد: «کسی نباید متهم به جرمی شود، به استثنای قتل به دلیل اینکه مرتکب کاری شده یا ترک فعل کرده، در حالیکه او صغیر بوده است.» حقوق دانان امریکا در مورد این ماده گفته‌اند اگر قرار باشد که ماده ۴۰ به طور کامل اجرا شود بچه‌های سن ۱۰ تا ۱۴ سال تعقیب خواهند شد به خاطر توانایی در ارتکاب جرم با این ارفاق که مسئولیتی با این تعقیب ندارند به استثنای قتل. همچنین معیار سن ۱۰ سال در مورد اطفالی است که سن ۱۰ سال آنها کامل شده، پس فرضاً طفل دارای ۹ سال و ۱۱ ماه نیز از مسئولیت مبرا است. (Smith & Hogan, 1992, 188)

نتیجه‌گیری

پدیده بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مشکلات بزرگ جوامع کنونی جهان است. اگر این معضل در سال‌های گذشته ویژه کشورهای پیشرفته صنعتی بوده، هم اکنون، این پدیده با توسعه صنعت و انتقال عوارض آن و گسترش شهرنشینی در دنیا، جهانی شده است. جامعه ما نیز مانند بسیاری از جوامع در حال توسعه، به ویژه با پیشرفت صنعت و هجوم فرهنگ غرب شاهد ازدیاد کمی و کیفی پدیده بزهکاری اطفال گردیده است. اهمیت توجه به شخصیت و حیثیت اطفال در هنگام رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط آنان ایجاب می‌کند که قانونگذار تشریفات رسیدگی خاصی را که با دقت نظر در روحیه و شخصیت این گونه اشخاص تدوین گردیده است، در حین رسیدگی به این جرایم آنها لحاظ نماید. حمایت از کودکان و نوجوانان متهم و بزهکار که عمدتاً در قالب تدابیر پیشگیرانه و بازپرورانه متبلور می‌شود، از یک سو باید در همه مراحل فرایند کیفری مورد توجه سیاست گذاران و کارگزاران عدالت کیفری باشد و از سوی دیگر، نظام عدالت کیفری تدابیر و ابزارهای مناسب را برای دسترسی به این هدف به کار گیرد. به این ترتیب، حمایت از کودکان و نوجوانان متهم و بزهکار باید در همه قسمت‌های این نظام به منظور ساماندهی درست وضعیت رفتاری کودکان و نوجوانان ناقض هنجارهای کیفری و بازگرداندن آنان به زندگی سالم اجتماعی صورت پذیرد. وجود یک سیستم عادلانه کیفری در برخورد با اطفال بزهکار می‌تواند تضمین کننده سلامت جامعه باشد و با اعمال واکنش مناسب و شایسته آنان را مجدداً به آغوش اجتماع بازگرداند. در عین حال از بروز هرگونه واکنش افراطی و دور از منطق جلوگیری به عمل آورد.

منابع و مراجع

- استفانی، گاستون و همکاران (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی انگلیس، ترجمه حسن دادبان، ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- اعلی امیری، سید هدی (۱۳۹۹)، «عوامل بیرونی بزهکاری اطفال»، دو فصلنامه فقه و قضا، سال دوازدهم، شماره ۱۶.
- براندن، استیو (۱۳۷۶)، مروری بر حقوق جزای امریکا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، چ ۱، تهران: نشر حقوقدان.
- بوریکان، ژاک (۱۳۸۱)، اطفال بزه‌دیده و بزهکار در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال دوم، شماره ۲.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۵)، «رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری اطفال»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۹.
- جهانی جنارقد، میلاد (۱۳۹۹)، «تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی خانواده در بزهکاری اطفال و نوجوانان»، دو فصلنامه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول، شماره دوم.
- خسروشاهی، قدرت‌الله و همکاران (۱۳۹۹)، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در پیشگیری رشدمدار از بزهکاری اطفال»، فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، سال پانزدهم، شماره ۵۶.
- دایی، مهدی (۱۳۹۲)، «بررسی نوآوری قانون مجازات اسلامی ۹۲ در خصوص بزهکاری اطفال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- داوید، رنه (۱۳۷۵)، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه دکتر سید حسین صفایی و دیگران، چ ۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سیدزاده ثانی، سید مهدی (۱۳۹۲)، کتاب راهنمای قانون مجازات اسلامی ۹۲، چ ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- صادق زاده، ابراهیم (۱۳۹۸)، «تحلیل راهکارهای مناسب جهت پیشگیری از تکرار جرم و کاهش میزان تعداد اطفال بزهکار در آینده»، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره سوم، شماره دهم.
- عبداللهی، سامان و همکاران (۱۳۹۹)، «راهبردهای اجتماعی و انتظامی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان»، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره چهارم.
- کلارکسون، جیمز (۱۳۷۴)، تحلیل مبانی حقوق جزا، مترجم: حسین میرمحمد صادقی، چ ۱، تهران: نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- مجتبایی، پدram (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی عدالت ترمیمی در دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران و امریکا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات شاهرود.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و میرفردی، قدرت‌الله (۱۳۹۹)، «پاسخ‌های اجتماعی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۴، شماره ۱۱۰.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۸)، «طبقه بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶
نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹)، «پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴.
ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۴) حقوق جرایم عمومی، ج ۴، کتاب واکنش جامعه علیه جرم، چ ۱، تهران: انتشارات داد.

Smith, Hogan, and Ormerod's Criminal Law, seventh edition, 1992.

M. Jefferson , Criminal law , five edittion ,2001.